

براندازی نرم و تأسیس تلویزیون‌های فارسی زبان  
«مطالعه موردی بی‌بی‌سی»

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۶۰۰

فروردین ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۴.....	پیشینه
۶.....	طراحی و مدیریت پروژه براندازی نرم در کمیته خطر جاری
۸.....	دو الگو در طراحی و مدیریت پروژه براندازی نرم نظام اسلامی
۱۲.....	نقش رسانه‌ها در راهاندازی و مدیریت پروژه براندازی نرم در ایران
۱۷.....	روند رو به گسترش گرایش غرب به تأسیس تلویزیون‌های فارسی زبان
۲۱.....	نگاهی به تاریخچه و روند پیدایش بی‌بی‌سی فارسی
۲۵.....	رابطه بی‌بی‌سی و سیاست
۲۷.....	اهداف و پس‌زمینه‌های راهاندازی تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی
۳۵.....	نتیجه‌گیری و ارائه راهکار



## براندازی نرم و تأسیس تلویزیون‌های فارسی زبان

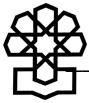
«مطالعه موردی بی‌بی‌سی»

### چکیده

برقراری ارتباط با مردم به منظور انجام پروژه «شبکه‌سازی» مهم‌ترین فاز در سناریوی براندازی نرم مد نظر طراحان آن در سازمان‌های اطلاعاتی بیگانه است. با در نظر گرفتن چنین پیش‌فرضی «رسانه» مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار این سازمان‌هاست که در خدمت اهدافی مانند ایجاد و تعمیق شکاف میان مردم و حاکمیت، برانگیختن طبقه روشنفکر علیه نظام اسلامی و در نهایت بیدار کردن شکاف‌ها و پتانسیل‌های تجزیه‌طلبانه قومی و هویتی است. در این راستا نوشتار پیش‌رو بر آن است تا ضمن اشاره به بستر تاریخی و سیاسی سناریوی براندازی نرم نقش و جایگاه رسانه‌های غربی به‌خصوص تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان را در این سناریو مورد بحث و بررسی قرار دهد.

### مقدمه

با ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی باید قدری جدی‌تر و دقیق‌تر به بررسی انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و پیامدهای امنیتی یا به تعبیر دقیق‌تر ضدامنیتی فرامرزی آن توجه کرد. ایجاد و گسترش وسایل ارتباطی و اطلاعاتی الکترونیکی به شدت هزینه تبادل اطلاعات، فرهنگ، ضدفرهنگ، ایده‌ها، تجارت و مالیه را کاهش داده است.



پیشرفت‌های خیره‌کننده و جهشی در تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات، با نوعی موج‌سواری فرهنگی و رسانه‌ای غرب به‌منظور ایجاد شکاف میان دولت - مردم همراه شده که در نهایت زمینه رویش و پویش پدیده‌ای به نام براندازی نرم را در ساختار جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد. بدین ترتیب انقلاب مخملی،<sup>۱</sup> انقلاب رنگی،<sup>۲</sup> انقلاب گلی<sup>۳</sup> و براندازی نرم<sup>۴</sup> واژه‌هایی جدید در ادبیات سیاسی هستند که اشاره به انجام اقداماتی در چارچوب قانون، بدون خشونت و البته با دخالت بیگانگان جهت دگرگونی نظام سیاسی حاکم و یا نخبگان اجرایی در یک کشور است. در انقلاب‌های کلاسیک ساختار سیاسی و حاکمان به‌طور کامل تغییر می‌کند، قدرت با ابزارهای نظامی و خشونت‌آمیز مانند ترور، بمب‌گذاری، تخریب و از یک گروه به گروه دیگر منتقل می‌شود و نهادهای جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آیند. در این فرایند، اعمال خشونت، هزینه‌های تغییر را بالا می‌برد و موجب ایجاد هرج و مرج در جامعه، حتی به‌طور موقت می‌شود، اما در انقلاب‌های مخملی یا براندازی نرم خشونت وجود ندارد، یا کمتر به‌کار گرفته می‌شود و بیشتر روی حرکت‌های مسالمت‌آمیز، *مدیریت رسانه‌ای* و متغیرهای اجتماعی همانند آموزش، ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به مسائل مختلف، بسیج افکار عمومی، به‌منظور نیل به تغییرات سیاسی تکیه و تأکید می‌شود.<sup>۵</sup> در این نوع جدید براندازی، تلاش می‌شود در بستری از چارچوب‌های قانونی و ارتباطات اجتماعی، ابتدا میزان مشروعیت و مقبولیت مهاجم در جامعه هدف

1. Velvet Revolution
2. Color Revolution
3. Flower Revolutions
4. Soft Subversion

۵. علی، آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار، ۱۳۸۳، ص ۷۲۱.

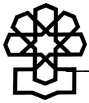


افزایش یابد و سپس از طریق کانال‌های به اصطلاح دمکراتیک و با پشتوانه قدرت اجتماعی، دگرگونی نظام سیاسی و یا نخبگان اجرایی محقق شود.<sup>۱</sup>

به‌طور خلاصه براندازی نرم در برابر براندازی سخت (انقلاب از درون یا حمله نظامی از بیرون) شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. **جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، فضای مجازی اینترنت، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی از جمله ابزارهای مشهور به‌منظور صورت‌بندی براندازی نرم هستند.**

در چنین فضایی و در آستانه ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی با در نظرگرفتن تجربه انقلاب‌های مخملی در اروپای شرقی و مرکزی از یکسو و دشواری تغییر قهری نظام اسلامی از سوی دیگر، شرایط سیاسی به نفع حامیان براندازی نرم و به ضرر حامیان براندازی قهری نظام رقم خورده است. به دیگر سخن در شرایط انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، عصر دنیای شبکه‌ای و جهانی شده و اهمیت یافتن رسانه‌ها در راه ظهور و بروز فرصت‌های جدید آمریکا برای آنچه میشل فوکو دور زدن متافیزیک قدرت و ارتباط با ملت‌ها به‌جای دولت‌ها می‌نامد زمینه تحت فشار قرار دادن «حکومت‌های نامطلوب!» از منظر غرب را فراهم می‌کند. بر اساس چنین مبنایی «براندازی نرم» به مثابه یکی از الگوهای کلیدی و اساسی عملیات روانی غرب علیه ماهیت جمهوری اسلامی ایران در شرایط نوامیدی از امکان تغییر قهری نظام اسلامی و نیز امکان عملی کردن حاکمیت دوگانه تا مرز فروپاشی است.

۱. محمدعلی، داداشی، براندازی نرم؛ راهبردها و راهکارهای مقابله، مجله نگاه شماره ۲۲۴، ۱۳۸۶/۱۱/۶.



## پیشینه

پروژه براندازی نرم به‌وسیله کمیته خطر جاری<sup>۱</sup> در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ طراحی شد. کمیته خطر جاری در اوج جنگ سرد و در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه‌دار سازمان سیا و پنتاگون تأسیس شد.<sup>۲</sup> این کمیته در آن مقطع و در پی اصلاحات گورباچف مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی (گلاسنوست) و تغییر در قوانین اقتصادی (پروستوریکا)، با منتفی دانستن جنگ سخت و رودررو با اتحاد جماهیر شوروی، تنها راه به زانو درآوردن بلوک شرق را جنگ نرم و فروپاشی از درون می‌دانست. سیاست‌گذاران پنتاگون و سیا با سه راهبرد دکتترین مهار، نبرد رسانه‌ای و سامان‌دهی نافرمانی مدنی اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند.<sup>۳</sup>

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، کشورهای رها یافته از سیطره

### 1. Committee on the Present Danger

۲. در میان اعضای این کمیته در دهه ۱۹۷۰ میلادی، اسامی افرادی چون «نیویوت گینگریچ» رئیس سابق مجلس نمایندگان، «جورج شولتز» وزیر خارجه دولت ریگان، «جان لیبرمن» سناتور دمکرات، «جان کیل» سناتور جمهوریخواه، «جوزف شولتزگ» از سناتورهای برجسته آمریکایی، «جیمز وولسی» رئیس اسبق سازمان جاسوسی آمریکا، «جرج تنت» از مدیران برجسته سازمان سیا و مسئول بخش خاورمیانه این سازمان، «جوزف بایدن» و «مایکل لدین» عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا، از جمله تئوریسین‌های اصلی نئوکان، صاحب‌کرسی آزادیخواهی در مؤسسه راست‌گرای اینترپرایز، متخصص ماکیاولیسم و از طرفداران سرسخت و بسیار جدی جنگ با تروریسم و تغییر نظام در ایران، «مادلین آلبرایت» وزیر خارجه اسبق آمریکا، «کنت پولاک» مدیر تحقیقات مرکز سیاست خاورمیانه‌ای سابان در مؤسسه بروکینگز و همچنین مدیر مؤسسه مطالعه خاور نزدیک وابسته به یهودیان هوادار اسرائیل، «مارک پالمر» از استراتژیست‌های آمریکایی که در کاخ سفید از وی به‌عنوان یکی از نوآوران سیاست خارجی آمریکا نام می‌برند و «کاندولیزا رایس» وزیر خارجه دولت جرج واکر بوش که در زمان تدوین برنامه کمیته خطر جاری، قائم‌مقام پنتاگون در حوزه آسیای قفقاز و اتحاد جماهیر شوروی بود، دیده می‌شود.

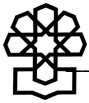
۳. علی محمد، نائینی، تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها، فصلنامه عملیات روانی، سال ۴، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶.



کمونیست این بار به دام اقتدارگرایی گرفتار شده و اولین هدف انقلاب‌های رنگی واقع شدند. در سال ۱۹۸۹ یک نوع تئوری جدید برای ایجاد تغییرات در نظام‌های استبدادی، کمونیستی و سوسیالیستی ارائه شد که در جوامع پسا کمونیستی در اروپای شرقی، مرکزی و آسیای مرکزی توسعه یافت و در حال نفوذ به دیگر مناطق از جمله خاورمیانه است.<sup>۱</sup> این تحولات با وقوع «انقلاب مخملی» سال ۱۹۸۹ در چکسلواکی آغاز می‌شود و با وقوع تحولات مشابهی به صورت زنجیره‌ای در صربستان (دو مرحله ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰)، انقلاب گل رز یا گل سرخ گرجستان در سال ۲۰۰۳، انقلاب نارنجی اوکراین در سال ۲۰۰۴ و انقلاب گل لاله قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ ادامه یافته و هیئت حاکمه این کشورها جای خود را به حکومت‌های یکسره طرفدار غرب دادند. هدف اصلی این انقلاب‌ها حذف کامل موانع بزرگ هژمونی آمریکا بر جهان یعنی چین، روسیه و جهان اسلام است. این تلاش‌ها در قالب یک جنگ سرد غیرایدئولوژیک همچنان در جریان است و هنوز نتیجه نهایی خود را آشکار نساخته‌است.<sup>۲</sup> هرچند بروز برخی تحولات همانند تقویت پیمان شانگهای و بروز جنگ روسیه - گرجستان این روند را کند ساخته، با وجود این راهبرد اساسی آمریکا استفاده از قدرت نرم و نیز قدرت هوشمند جهت مقابله با مخالفان خود است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به انقلاب رنگی، دانشنامه ویکی‌پدیا.

۲. مهران، کرمی، جنگ بی دود و تفنگ، هفته‌نامه تحلیلی - خبری شهروند امروز، ۷ مرداد ۱۳۸۶، شماره ۳۹، ص ۲۷.



## طراحی و مدیریت پروژه براندازی نرم در کمیته خطر جاری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، فعالیت کمیته خطر جاری برای یک دهه به حالت تعلیق درآمد و پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، بار دیگر چهره‌هایی چون مارک پالمر، کنت پولاک، مارتین ایندیک، ریچارد پرل، داگلاس فیث، کاندولیزا رایس و مارگ گرجت در این کمیته گردهم آمدند تا به تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی دولت ایالات متحده آمریکا بپردازند. در میان این افراد نقش «مارک پالمر» نویسنده و هدایت‌کننده نظرات در گزارش کمیته خطر که بر طرح و پیگیری سناریوی براندازی نرم در ایران تأکید می‌کرد برجسته‌تر و تعیین‌کننده‌تر از بقیه است.<sup>۱</sup> کمیته خطر جاری معتقد است که واشنگتن به رویکرد جدیدی نیاز دارد، توصیه این کمیته، اتخاذ استراتژی صلح‌آمیز، اما مؤثر برای به مشارکت طلبیدن مردم ایران است. به اعتقاد حامیان سناریوی براندازی غیرقهری، ایران به‌علت برخورداری از سوابق دمکراسی و وجود نهادهای مردم سالار و همچنین پتانسیل‌های موجود برای

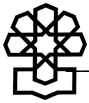
۱. مارک پالمر، از استراتژیست‌های معروف آمریکایی است که در دستگاه دیپلماسی آمریکا از وی به‌عنوان یکی از نوآوران سیاست خارجی ایالات متحده نام می‌برند. پالمر، در دولت‌های «نیکسون»، «فورد»، «کارتر»، «ریگان» و «بوش پدر» در وزارت خارجه مشغول به‌کار بود و در دولت «کلینتون» و دوره اول «بوش پدر» در خارج از مجموعه دولت، به طراحی ابتکارات جدید سیاست خارجی مشغول بود. وی یازده سال در شوروی، یوگسلاوی و مجارستان به‌عنوان دانشجو و دیپلمات زندگی کرده و در زمره متخصصان ایران و آسیای قفقاز به‌شمار می‌رفت. پالمر، سال‌ها برای رؤسای جمهور و وزاری خارجه آمریکا نطق نوشته که معروف‌ترین آنها نطق‌های «هنری کیسینجر» است. مدیریت مؤسسه تحقیقاتی «مرکز سیاست خاورمیانه سابان» در مؤسسه «بروکینگز» و نگارش ده‌ها مقاله و همچنین کتاب پیرامون وضعیت خاورمیانه از جمله نگارش کتاب «طوفان تهدیدزا» که تأثیر انکارناپذیری در جلب حمایت عده قابل توجهی از سیاست‌گذاران دمکرات آمریکا در تهاجم نظامی به عراق، ایفا نمود از دیگر بخش‌های عملکرد وی در دستگاه سیاست خارجی آمریکاست. رسانه‌ها آمریکایی از این چهره برجسته دستگاه سیاست خارجی به عنوان «چهره خبرساز» یاد می‌کنند.



حرکت‌های مردمی و غیردولتی از جمله وجود رسانه‌های مختلف و مهم‌تر از آن کاربران بالای اینترنت و وبلاگ، از استعداد و ظرفیت بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش‌های غیرخشونت‌آمیز برخوردار است. شش‌بند از پانزده بند مرتبط با پروژه براندازی نرم در گزارش کمیته خطر که تحت عنوان «ایران و آمریکا، رهیافت جدید» تنظیم شده، پرده از جدیت آمریکا در عملی کردن پروژه براندازی نرم علیه جمهوری اسلامی ایران بر می‌دارد. یکی از محورهای مهم گزارش کمیته خطر جاری با پروژه براندازی نرم مرتبط می‌شود «باید شبکه‌های متعدد رادیو تلویزیونی برای ایرانیان تدارک دید و پیام‌های خود را با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های روز به دست مردم ایران برسانیم». در بخشی از گزارش کمیته خطر در این باره آمده است: «تقویت رادیو تلویزیون‌های فارسی زبان خارج از کشور اقدام مؤثری است. رادیو فردا و برنامه‌های فرهنگی تلویزیون VOA (صدای آمریکا) شروع خوبی بود، اما کافی نیست. اکنون تعداد زیادی تلویزیون و شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان مستقر در آمریکا وجود دارد که با مشکلات مالی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند به خوبی عمل کنند. واشنگتن باید بودجه‌ای معادل رادیو فردا و تلویزیون VOA در اختیار این شبکه‌ها قرار دهد. حداقل ۱۰ میلیون دلار به صورت سالیانه باید برای کمک به این تلویزیون‌ها، رادیوها و سایت‌های اینترنتی اختصاص داد»<sup>۱</sup>.

این کمیته در پایان گزارش خود، نتیجه‌نهایی را این چنین برای مقامات کاخ سفید و دستگاه دیپلماسی آمریکا تبیین می‌کند: «بعضی می‌گویند ایران آن‌طور که برخی

۱. مارک، پالمر، پیشنهاد جدید کمیته خطر جاری به دولت آمریکا؛ رویکردی جدید در قبال ایران، ترجمه نیلوفر قدیری، سایت روزنامه همشهری، ۱۳۸۳/۱۲/۳.



تحلیلگران ادعا می‌کنند، در آستانه یک انقلاب نیست و ما فقط باید با تهران گفت‌وگو کنیم. بعضی دیگر می‌گویند، گفت‌وگو فقط حکومت ایران را تقویت و محکم می‌کند و باید از طریق انزوا و تقویت مخالفان داخل و خارج حکومت در جهت تغییر این رژیم تلاش کرد»<sup>۱</sup>.

### دو الگو در طراحی و مدیریت پروژه براندازی نرم نظام اسلامی

به‌رغم انسجام و اتحاد ظاهری در چارچوب رویکرد تغییر غیرخشونت‌آمیز نظام اسلامی، دو رهیافت یا الگوی متفاوت در این زمینه شکل گرفته است: الگوی اول تحت عنوان «دیپلماسی سیاه» ضمن قائل بودن به روش غیرخشونت‌آمیز و جنگ نرم، «روابط رسمی» با دولت جمهوری اسلامی را نیز مدنظر قرار داده و با طرح تقابل‌گرایی از طریق تعامل‌گرایی، براندازی را براساس فشار از بالا و همراه‌سازی از پایین دنبال می‌کند. در حالی‌که الگوی دوم تحت عنوان «فروپاشی»، هرگونه رابطه رسمی میان دولت آمریکا و دولت جمهوری اسلامی را مردود اعلام کرده و صرفاً برقراری ارتباط با جامعه، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد مختلف را از طریق رسانه‌ها مبنای کار خود قرار داده است.

۱. همان.



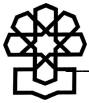
## ۱. الگوی دیپلماسی سیاه<sup>۱</sup>

حامیان این الگو خواهان استفاده از تجربیات آمریکا در برخی از کشورهای هدف در طول سالیان گذشته‌اند که از جمله آنها استفاده از راهبردهای غیرخشونت‌آمیز با هدف نهایی ایجاد «تغییرات ساختاری» است. این رهیافت که توسط مقامات غربی و تحلیل‌های رسانه‌ای غرب نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد بر این مبنا استوار شده است که در داخل جمهوری اسلامی به‌علت وجود زمینه‌ها و بسترهای رشد دمکراسی و وجود گزاره‌های دمکراتیک در نظام فعلی، فرصت‌های مناسب برای پیشبرد راهبرد و اهداف سرنگونی حکومت فراهم خواهد آمد. به‌طور خلاصه براساس رهیافت دیپلماسی سیاه به‌طور موازی «ارتباط انتقادی» با دولت جمهوری اسلامی و «ارتباط تعاملی» با ملت ایران مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

تفکر و رویکرد دیپلماسی سیاه میان اندیشمندان و متفکرین نومحافظه‌کار نیز نفوذ کرده است. رابرت کیگان تئوریسین برجسته نومحافظه‌کار و نویسنده کتاب معروف «بهشت قدرت» در مقاله‌ای تحت عنوان «احمق! موضوع خود رژیم است» که در واشنگتن پست در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۶ به چاپ رسید تصریح کرده است: «آمریکا تنها دو راه را در قبال ایران در پیش رو دارد اول اینکه با یک حمله تمام عیار نظامی، سرنگونی نظام و دولت جمهوری اسلامی ایران و اشغال آن را در پیش بگیرد و یا اینکه تلاش همه جانبه‌ای (شامل تنبیه نخبگان و تعامل مثبت با مردم) را برای تغییر سیاسی جمهوری اسلامی ایران از طریق راهکارها و ابزارهای غیر نظامی دنبال

۱. برای مطالعه دقیق‌تر رهیافت دیپلماسی سیاه رک به:

علی، عبدالله‌خانی، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، صص ۳۸-۴۰.



نمایند». تأکید کیگان بر راه حل دوم است. براساس این راهکار آمریکا از طریق برقراری تماس مستقیم با جمعیت جوان و غرب‌گرای ایران با توسل به چهار راهکار ایده فروپاشی از درون را عملیاتی نماید: تبلیغ و ترویج ضرورت تغییر سیاسی نظام از طریق رادیو، تلویزیون و اینترنت، سازمان دادن به حمایت‌های بین‌المللی از اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های مدافع حقوق بشر و تشکلات مدنی و مذهبی مخالف نظام جمهوری اسلامی؛ برقراری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و درنهایت تقویت مالی پنهانی نیروهای مخالف درون نظام که خواهان استفاده از کمک‌های آمریکا هستند.<sup>۱</sup>

## ۲. الگوی فروپاشی

یکی از رهیافت‌های اصلی آمریکا در عملی کردن راهبرد تغییر نرم نظام جمهوری اسلامی، استفاده از هویت‌ها و صنف‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی، اقتصادی برای براندازی نظام اسلامی است. در رهیافت فروپاشی برخلاف رهیافت دیپلماسی سیاه به جای ارتباط انتقادی با حاکمیت صرفاً به تعاملی‌خزنده، سیستماتیک و هدفمند با هویت‌های مختلف فوق‌الذکر پرداخته می‌شود.

به‌طور کلی در رهیافت فروپاشی، جزء «فشار از بالا» از دیپلماسی سیاه حذف می‌شود و بیشترین سرمایه‌گذاری آمریکا روی «همراه سازی از پایین» گذاشته می‌شود. با برداشتی آزاد از اندیشه‌های میشل فوکو امروز دیگر نمی‌توان روابط بین‌الملل را به روابط دولت - دولت یا گروه‌های غیردولتی صرف محدود کرد. در

۱. رادیو فردا، ۱۱/۱۱/۱۳۸۴؛ برای مطالعه بیشتر مقاله کیگان در این خصوص رجوع کنید به:

Robert Kagan, "It s the Regime, Stupid", Washington Post, 29Jan 2006, p.7.



شرایط کنونی یک دولت می‌تواند بدون چانه‌زنی با سران دولتی - رسمی، مستقیماً وارد مذاکره با افراد، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی و به‌خصوص افراد و گروه‌های اپوزیسیونی شود. به عبارت دیگر شگرد نوین قدرت‌های جهانی دور زدن حکومت‌ها از درون و نشان دادن آنها پای میز مذاکره و به تعبیر دقیق‌تر در موضع عقب‌نشینی از آنچه است که مغایر با اهداف و منافع بازیگران به اصطلاح قدرتمند قلمداد می‌شود. در حقیقت در این رویکرد هرگونه تعامل و ارتباط انتقادی با مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران به مثابه عاملی اعتبار بخش به ماهیت این نظام تلقی می‌شود که باید از آن پرهیز کرد و در عوض بر ضرورت گفت‌وگو با مردم ایران تأکید کرد. به‌عنوان نمونه جیمز وولسی، رئیس پیشین سازمان سیا در یکی از جلسات کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا تحت عنوان «گام‌های بعدی در بحران ایران» خاطر نشان کرد: «هرگونه دیالوگ با دولت ایران به ماهیت جمهوری اسلامی مشروعیت خواهد بخشید. به جای گفت‌وگو با دولت جمهوری اسلامی باید با مردم، دانشجویان و فعالان سیاسی و رهبران مدنی ایران از طریق اینترنت و تکنولوژی مدرن گفت‌وگو کرد».<sup>۱</sup> هرچند تغییر دولت در آمریکا از شدت این مسئله کاسته است، ولی نمی‌توان اساساً منکر حذف این استراتژی در میان مقامات آمریکایی شد.



## نقش رسانه‌ها در راه‌اندازی و مدیریت پروژه براندازی نرم در ایران

نکته قابل تأمل این است که هم در «دیپلماسی سیاه» و هم در «فروپاشی» به‌عنوان دو الگویی که در چارچوب پروژه براندازی نرم طراحی و مدیریت می‌شوند، اهمیت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی برجسته و غیرقابل انکار است. در حقیقت اصلی‌ترین مجرای ارتباطی میان دولت آمریکا و به‌ویژه سازمان سیا با مردم ایران رسانه‌های غربی به‌ویژه امروزه تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان هستند. رسانه‌های غربی و تلویزیون‌های اپوزیسیون حلقه ارتباطی میان بازیگران پروژه براندازی نرم هستند. در این راستا رسانه‌ها قادرند میان پتانسیل‌های راه‌اندازی براندازی نرم مانند نیروهای واگرای موجود در جامعه (همچون اقوام و اقلیت‌ها)، سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد، نخبگان سیاسی اجتماعی و علمی، جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش زنان، دانشجویان، کارگری، صنفی و در نهایت اپوزیسیون خارج از حاکمیت<sup>۱</sup> ارتباط ارگانیک و هدفمند برقرار کنند و بالاخره با همگرا کردن این بازیگران و نیروها نقش تعیین‌کننده‌ای در روند موفقیت پروژه براندازی نرم ایفاء می‌کند.

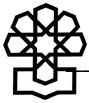
### ۱. بی‌اعتبار کردن مراجع اطلاعاتی رسمی و حکومتی

به این ترتیب ارتزاق از رسانه‌های غیرحکومتی به‌ویژه اینترنت و ماهواره یکی از مصادیق اصلی تغییر در الگوی مرجع جوانان روی آوردن آنها به رسانه‌های غیرحکومتی و در حقیقت رسانه‌های جایگزین رسانه‌های رسمی و دولتی از جمله



رسانه ملی، مطبوعات، وبلاگ‌های رسمی و سازمانی است که زمینه رویارویی مردم به‌ویژه جوانان را با حاکمیت و درنهایت موفقیت پروژه براندازی نرم را فراهم می‌کند. رسانه‌های بیگانه توجه ویژه و متمرکزی به این موضوع داشته و استفاده جوانان از رسانه‌های غیررسمی و غیردولتی را بخشی از فرار جوانان از اعتبار و تسلط حاکمیت و گرایش آنها به براندازی نرم به‌شمار می‌آورند. در این راستا رادیو فردا در یکی از تحلیل‌های خود به نقل از گزارش فریدم هاوس اعلام کرده است هر چند داشتن ماهواره و دریافت اخبار خارجی از این طریق ممنوع است، اما شمار بالایی از مردم ایران از این طریق به اخبار و منابع خارجی دست می‌یابند رادیوهای ماهواره‌ای به تعداد زیادی از مردم امکان دسترسی به اخبار بین‌المللی را می‌دهند. گزارش فریدم هاوس سپس به رادیو فردا اشاره می‌کند که با پخش اخبار و موسیقی شنونده‌های فراوانی در میان نسل جوان دارد. فریدم هاوس به نقل از گزارش روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد در آماري که در سال ۲۰۰۶ صورت گرفت حدود بیش از ۱۳/۵ درصد از جمعیت بزرگسال ایران هر هفته به رادیو فردا گوش می‌دهند به گزارش فریدم هاوس شمار کاربران اینترنت در ایران رو به افزایش است و بیش از هفت میلیون ایرانی در سال ۲۰۰۶ از اینترنت استفاده کرده‌اند. بنابر گزارش فریدم هاوس هر چند بسیاری از سایت‌های اینترنتی با سانسور دولتی و فیلترینگ به روی کاربران ایرانی بسته شده‌اند لیکن همچنان صد هزار وبلاگر فعال ایرانی در حال فعالیت هستند که دارای رویکردی انتقادی هستند.<sup>۱</sup>

۱. رادیو فردا، ۱۳۸۶/۲/۱۱.



## ۲. تسهیل فرایند شبکه‌سازی (یارگیری شبکه‌ای)

شبکه‌سازی یکی از فرایندهای اصلی در طراحی و مدیریت موفق براندازی نرم در استراتژی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران است. نخستین گام در این راستا اتخاذ روشی برای ایجاد شبکه‌هایی از حامیان آمریکا در ایران است. ایالات متحده به‌منظور دستیابی به این هدف، در تلاش است تا ساختاری نهادی در داخل دولت آمریکا برای هدایت، نظارت و بررسی این تلاش‌ها ایجاد کند. بر این اساس، ایالات متحده برای موفقیت سیاست شبکه‌سازی (که سیاستی نامتقارن و انتخابی است) بر گروه‌هایی مانند شخصیت‌های دانشگاهی و روشن‌فکران مسلمان لیبرال و سکولار، صاحب‌نظران مذهبی جوان و میانه‌رو، فعالان اجتماعی، گروه‌های زنان فعال در مبارزات برابری جنسیتی و روزنامه‌نگاران و نویسندگان میانه‌رو تمرکز دارد. بر همین اساس از مهم‌ترین اصول آمریکا در طراحی استراتژی شبکه‌سازی بهره‌گیری از رسانه‌های همسوست.

در این میان یکی از اصلی‌ترین نهادهای برنامه‌ریز و هدایت‌کننده شبکه‌سازی در ایران، بنیاد «جامعه باز»<sup>۱</sup> وابسته به بنیاد سوروس است. بنیاد سوروس دومین سازمان رسانه‌ای جهان است که بیشترین شبکه‌های تلویزیونی، خبرگزاری‌ها،

۱. این بنیاد متعلق به جرج سوروس یکی از شاگردان کارل ریچارد پوپر، نظریه‌پرداز لیبرال‌دموکراسی است. بنیاد سوروس که با سرمایه‌های یهودیان آمریکایی اداره می‌شود نقشی جدی در کشورهای تازه استقلال یافته و در تغییر دولت‌ها به نفع آمریکا از خود به‌جا گذاشته است. این بنیاد از طرف دولت آمریکا با تزریق ثروت‌های کلان به ناراضیان، شرایط سیاسی - اجتماعی را به بحران تبدیل کرده و در نهایت با حمایت از بازیگران بومی جریان را به نفع سیاست‌های آمریکا تغییر می‌دهد. هم‌اکنون بنیاد سوروس در بیش از سی کشور جهان از جمله جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان، اوکراین، تاجیکستان، روسیه، گرجستان، قرقیزستان، قزاقستان و مولداوی دارای نمایندگی‌های فعال است.



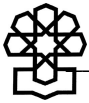
سایت‌ها، خبرنامه‌ها و روزنامه‌ها را در سطح جهان مدیریت و هدایت می‌کند. سوروس در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اشاره می‌کند که طرح وی «در گرجستان موفقیت‌آمیز است، و در دیگر کشورها هم اجرا می‌شود».<sup>۱</sup>

طبق اعتراف هاله اسفندیاری، مدیر بخش ایرانی بنیاد سوروس و از مدیران خاورمیانه‌ای مرکز وودرو ویلسون، سوروس به دنبال ایجاد یک شبکه ارتباط غیررسمی در ایران در جهت عملی کردن اهداف براندازی نرم بوده است. اظهارات وی در ذیل کاملاً بیانگر فرایند شبکه‌سازی در ایران است: «واقعاً به این نتیجه رسیدم که این افراد و خود من بشویم حلقه‌های یک زنجیره‌ای که تشکیل شده از بنیاد سوروس، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها که به اسم دمکراسی، به اسم توانمندسازی زنان، به اسم دیالوگ حتی در ارتباط سعی کنند یک شبکه‌هایی به وجود بیاورند که این شبکه‌ها در نهایت در داخل ایران منجر بشود به وجود آوردن یک تغییرات خیلی اساسی در درون رژیم ایران یعنی واقعاً متزلزل کردن این سیستم».<sup>۲</sup>

اینجاست که نقش رسانه‌هایی مانند تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت و رادیوهای فارسی زبان بیگانه در راه‌اندازی و مدیریت هدفمند فرایند شبکه‌سازی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. آنگونه که پورتا و دیانی در کتاب خود با نام «مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی جدید» نوشته‌اند که جنبش‌های اجتماعی جدید دارای یک قالب سازمانی مشخصی نیستند. هرچند در درون جنبش اجتماعی ممکن است احزاب و جریانات مختلفی حضور داشته باشند. به تعبیر دیگر آنها معتقدند که تأکید

۱. محمدتقی، فهیم، روایتی از انقلاب مخملی، روزنامه کیهان، پنجشنبه ۸ دی ۱۳۸۴.

۲. متن کامل اعترافات عوامل بیگانه، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۴/۳۰.



بر شبکه غیررسمی، ارتباطی فضایی را برای کنشگران شرکت‌کننده در جنبش اجتماعی باز نگه می‌دارد، که عضو هیچ سازمانی نیستند.<sup>۱</sup> یا براساس آموزه‌های آنتونی وگینز جامعه‌شناس انگلیسی به ظهور پدیده‌ای به نام فشردگی زمان و مکان کمک می‌کند که این فشردگی مکانی (جغرافیایی) و زمانی راه را برای افزایش حجم و سرعت کنش جمعی هموار می‌کند و پایه‌های گسستن از مرکزیت دولتی را هموار می‌کند. این جنبش‌ها به شدت به رسانه‌های جمعی مانند نشریات، روزنامه‌ها، کتب، مقالات، شبکه‌های اینترنت، ماهواره و نظایر آن متکی هستند و از طریق آنها درخواست‌هایشان مطرح می‌شود. اعتراضاتشان نمایش داده می‌شود و اندیشه‌هایشان برای تسخیر اندیشه و احساس عمومی علیه حاکمیت به گونه‌ای موثر بیان می‌شود.<sup>۲</sup> با در نظر گرفتن چنین خصیصه‌هایی به نظر می‌رسد فصل مشترک جنبش‌های اجتماعی جدید تحت تأثیر گسترش کمی و کیفی اینترنت و ماهواره تسهیل کنش جمعی جوانان هنجارگریز یا حتی هنجارستیز با الهام از تجربه زیست مشترک میان گروه‌های همسال و همجنس است و زمینه نافرمانی مدنی را فراهم می‌آورد.

براساس مطالب مزبور بررسی و تحلیل تب و تاب تأسیس تلویزیون‌های فارسی زبان وابسته به غرب و اپوزیسیون که در چارچوب مقوله براندازی نرم علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه‌سازی می‌کنند به موضوعی در خور توجه مبدل

۱. دوناتلا، دلا پورتا، ماریو، دیانی، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۳.

۲. کیت، نش، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفریز، تهران، انتشارات کویر، ص ۱۳۲.



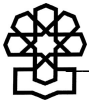
می‌شود که نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت. در ادامه این گرایش و برخی اهداف و جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای چند تلویزیون تاثیرگذار و برجسته وابسته به غرب و اپوزیسیون را بررسی می‌کنیم.

### روند رو به گسترش گرایش غرب به تأسیس تلویزیون‌های فارسی زبان

گرایش به تأسیس بخش تلویزیونی فارسی در میان رسانه‌های غربی و برخی شبکه‌های تلویزیونی منطقه به گونه‌ای قابل توجه افزایش یافته است و هراز چندگاهی طرح و ایجاد شبکه تلویزیونی فارسی زبان به گوش می‌رسد. در این میان این پرسش مطرح می‌شود که تلویزیون‌های فارسی زبان در حال تأسیس چه کارکردهایی دارند و بر مبنای چه سطوح تأثیرگذاری برنامه‌ریزی شده‌اند؟ پاسخ این پرسش نیازمند شناخت اهداف و پس‌زمینه‌های گرایش به راه‌اندازی هر یک از این رسانه‌ها به‌طور مستقل است که بررسی آن در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد و در این مجموعه به‌صورت مختصر اهداف و پس‌زمینه‌های تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی بررسی می‌شود. در این بخش نیز به‌صورت کلی به برخی شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان بیگانه تأسیس شده یا در حال تأسیس اشاره می‌شود:

#### الف) تلویزیون صدای آمریکا (VOA)

صدای آمریکا در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۶، اولین برنامه تلویزیونی VOA خود را پخش کرد. آن‌ها در کتاب تاریخ VOA از این روز با افتخار یاد می‌کند. پخش برنامه خبری تلویزیونی صدای آمریکا به زبان فارسی برای ایران از ۶ ژوئیه ۲۰۰۳ آغاز شد. کنت



تامپلسون، رئیس سابق هیئت رؤسای پخش رادیو تلویزیونی آمریکا، درباره اهداف راه‌اندازی این شبکه تلویزیونی گفت: هدف از راه‌اندازی این تلویزیون آن است که مردم ایران از گزینه‌ای غیر از برنامه‌های خبری کنترل شده توسط دولت ایران برخوردار شوند. با خبرسانی درباره آنچه در ایران می‌گذرد، می‌توانیم به نبرد آزادی خواهانه و عزم مردم ایران کمک کنیم. اگر مردم ایران به گزارش‌های صحیح، واقعی و عینی درباره کشورشان نیاز داشته‌اند، اکنون زمان آن فرا رسیده است.<sup>۱</sup>

این اظهارات نشان می‌دهد که هدف غایی از راه‌اندازی تلویزیون صدای آمریکا اساساً، تفکیک مردم از حاکمیت، شورانیدن مردم علیه نظام اسلامی و درنهایت براندازی نرم است.

#### ب) شبکه ام‌بی‌سی پرشیا

شبکه ام‌بی‌سی که عنوان اصلی آن «مرکز خبرسانی خاورمیانه» و مالک آن ولید ابراهیم یک سرمایه‌دار سعودی است، در نیمه فروردین ماه ۱۳۸۷ اعلام کرد که یک شبکه تلویزیونی فارسی راه‌اندازی خواهد کرد. پس از تبلیغات «ام بی سی پرشیا» در حاشیه اجتماعات و کنسرت‌های ایرانی در دوی، شبکه ام‌بی‌سی که تلویزیون العربیه نیز تحت مالکیت آن است اقدام به راه‌اندازی سایت فارسی شبکه خبری العربیه در اینترنت کرد؛ اقدامی که به گفته کارشناسان مقدمه‌ای برای آغاز به‌کار تلویزیون ام‌بی‌سی پرشیا بود. این رسانه به‌صورت بیست‌وچهار ساعته فیلم‌های هالیوودی

۱. رادیو بی‌بی‌سی، به نقل از روزنامه آمریکایی واشنگتن پست، ۲۰۰۳/۷/۳.



روز و سریال‌های آمریکایی را با زیرنویس فارسی برای ایرانیان بر روی ماهواره‌ها پخش می‌کند. گروه ام‌بی‌سی متعلق به یک سرمایه‌دار عربستانی است که در حال حاضر هشت شبکه تلویزیونی از جمله یکی از دو تلویزیون مهم خبری عرب زبان جهان العربیه و تلویزیون پرمخاطب ان‌بی‌سی را تحت کنترل دارد. محصول جدید این گروه ام‌بی‌سی پرشیا یک سرمایه‌گذاری مشترک بین گروه خبررسانی خاورمیانه و چند سرمایه‌دار ایرانی مقیم امارات و آمریکا است. براساس گزارش رادیو فردا، رسانه وابسته به سیا، با توجه به تجارب موفق این گروه چند رسانه‌ای در هفده سال گذشته و خلأ موجود رسانه‌ای در زمینه پخش فیلم‌های جدید هالیوودی در رسانه‌های ایران به نظر می‌رسد که ام‌بی‌سی پرشیا در ظرف مدت کوتاهی مخاطبان خود را جذب کند موفقیت این شبکه می‌تواند زمینه ایجاد شبکه‌های فارسی‌زبان با مضامین سیاسی و خبری را نیز از جانب سعودی‌ها فراهم سازد.<sup>۱</sup>

به‌طور خلاصه نکات ذیل درباره شبکه تلویزیونی ام‌بی‌سی و اهداف راه‌اندازی آن قابل تأمل است: اول اینکه دفتر اصلی گروه ام‌بی‌سی پرشیا در لندن قرار دارد. ولی از شهرک رسانه‌ای دبی در کشور امارات متحده عربی برنامه‌های خود را پخش می‌کند. دوم اینکه گروه ام‌بی‌سی متعلق به یکی از اعضای خاندان سلطنتی سعودی در عربستان است با توجه به روح ایران‌ستیزی یا ضدیت با جمهوری اسلامی ایران در میان گردانندگان این شبکه، برخی نکات حاکی از خدمت آن به اهداف براندازنه نرم علیه جمهوری اسلامی ایران است، اولاً راه‌اندازی تلویزیون شبکه ام‌بی‌سی با هدف گسترش ابتدال در ایران و برای مخاطب ایرانی صورت می‌پذیرد، ثانیاً تأسیس این

۱. رادیو فردا، ۱۳۸۷/۴/۱۰.



تلویزیون در ادامه پروژه ضدنظام است که آمریکایی‌ها از محل بودجه ضدایرانی مصوب کنگره ده‌ها شبکه فارسی زبان مخالف نظام جمهوری اسلامی را پشتیبانی می‌کنند و آمریکا پشت صحنه این شبکه است، ثالثاً اهداف تجزیه‌طلبانه اعراب و فارس‌ها را که همیشه مدنظر دولتمردان بریتانیا هست (و از مؤلفه‌های مدنظر در براندازی نرم است) دنبال می‌کند. این شبکه با پرداختن به مسائلی مانند ادعای هم‌پیمانان این کشور درباره جزایر سه‌گانه ایرانی، فعالیت‌های جدایی‌خواهانه در خوزستان و نگاه ستیزه‌جویانه مذهبی حاکم بر این کشور، پا در راه براندازی نرم می‌گذارد ضمن اینکه راه‌اندازی این شبکه فارسی زبان با انگیزه‌های سیاسی و در ارتباط با رقابت‌های دامنه‌دار دولت عربستان با جمهوری اسلامی در منطقه است.<sup>۱</sup>

### ج) تصمیم اتحادیه اروپا به تأسیس شبکه تلویزیونی فارسی

اتحادیه اروپا هم درصدد راه‌اندازی شبکه تلویزیونی فارسی برای ایرانیان است. یکی از اعضای کمیسیون روابط خارجی پارلمان اروپا بودجه مصوب برای راه‌اندازی این تلویزیون فارسی را سه میلیون یورو<sup>۲</sup> اعلام کرده و گفته است این بودجه صرف راه‌اندازی یک تلویزیون فارسی می‌شود که بیش از هر چیز بر انتشار اخبار متمرکز خواهد بود. اتحادیه اروپا در حال حاضر شبکه خبری بیست و چهارساعته یورونیوز را به زبان‌های مختلف اروپایی پخش می‌کند. به نظر می‌رسد که شبکه خبری فارسی نیز با توجه به الگوی یورونیوز طراحی خواهد شد. تأسیس شبکه تلویزیونی مستقل

۱. حسین، امامی، تحلیلی بر اهداف پیدا و پنهان شبکه ام‌بی‌سی فارسی زبان، وبلاگ روابط عمومی.

۲. در آگهی مناقصه کمیسیون ارتباطات اتحادیه اروپا برای تأسیس تلویزیون فارسی زبان، ارزش تخمینی قرارداد

این طرح پنج میلیون یورو اعلام شده است، واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۷/۴/۱۵.



اولین گام اتحادیه اروپا برای ورود به خاورمیانه خواهد بود. در آگهی تأسیس این شبکه به زبان «فارسی» که از سوی کمیسیون ارتباطات اتحادیه اروپا منتشر شده است؛ دو گزینه به شرح زیر پیشنهاد شده است:

گزینه اول: شبکه‌ای مستقل تشکیل شود که اخبار و برنامه‌هایی را درباره رویدادهای بین‌المللی، اروپایی و مسائل جاری اروپا به زبان فارسی تهیه کند و این برنامه‌ها به وسیله یک شبکه خبری بین‌المللی پخش شود.

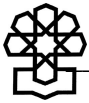
گزینه دوم: یک شبکه بین‌المللی تلویزیونی به زبان فارسی به پخش برنامه‌های گسترده‌ای درباره مسائل اتحادیه اروپا، بین‌المللی یا رویدادهای جاری اروپا بپردازد.

در آگهی تأسیس این شبکه آمده است: برنامه‌های این شبکه درباره مسائل اتحادیه اروپا باید به صورت خاص حاوی این موارد باشد: برنامه‌های خبری تلویزیونی، تحلیل، گزارش، مستند، مصاحبه، پخش زنده، بحث و مناظره، مسائل موضوع محور، تحلیل‌ها و مسائل مطرح جهانی. البته پخش برنامه‌های تفریحی مربوط به مسائل جاری اتحادیه اروپا نیز مجاز است.<sup>۱</sup>

### نگاهی به تاریخچه و روند پیدایش بی‌بی‌سی فارسی

بخش فارسی بی‌بی‌سی در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم به راه افتاد و در روابط انگلیس و دنیای فارسی زبان نقش عمده‌ای ایفا کرده است. بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی زیر سایه بدبینی راه‌اندازی و حمایت مالی آن از سوی وزرات خارجه این کشور قرار

۱. واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۷/۴/۱۵.



دارد. در این مختصر از منظر بررسی تاریخچه و روند پیدایش بی‌بی‌سی فارسی به برخی از دخالت‌های دولت انگلیس در جهت‌گیری تبلیغی این رسانه در قبال تحولات سیاسی ایران اشاره می‌شود:

### الف) آغاز به کار بی‌بی‌سی فارسی

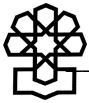
شصت و پنج سال پیش در روز ۷ دی‌ماه سال ۱۳۱۹ شمسی (۲۸ دسامبر ۱۹۴۰ میلادی) بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی به‌طور رسمی آغاز به کار کرد. در پس زمینه پیدایش بی‌بی‌سی فارسی در شرایط آن زمان به دو عامل همراستایی با اهداف استعماری دولت انگلیس و همچنین مهم‌ترین دغدغه سیاست انگلیس در آن دوران یعنی جنگ جهانی دوم می‌توان اشاره کرد. درحقیقت می‌توان گفت که اندیشه تولید و پخش برنامه به زبان‌های غیرانگلیسی بیش از آنکه ابتکار دولت وقت انگلیس باشد، واکنشی در مقابل قدرت روزافزون ماشین تبلیغات آلمان نازی بود. به واقع شاید بتوان گفت بی‌بی‌سی فارسی فرزند جنگ بود و در میانه دهه ۱۹۳۰ میلادی دولت انگلیس از بی‌بی‌سی خواست برای مقابله با دستگاه تبلیغاتی هیتلر و موسولینی برنامه‌هایی برای پخش در سراسر جهان به زبان‌های بومی تولید کند. حدود دو سال بعد اولین برنامه‌های غیرانگلیسی رادیو بی‌بی‌سی به زبان‌های اسپانیولی، پرتغالی و عربی آماده پخش شده بود، اما راه‌اندازی بخش فارسی تا سال اول جنگ جهانی دوم اتفاق نیفتاد. زبان فارسی یکی از ده‌ها زبانی بود که در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ میلادی (درست زمانی که جنگ کاملاً به ضرر انگلیس پیش می‌رفت) به مجموعه زبان‌های خارجی رادیو بی‌بی‌سی اضافه شد. با پیروزی‌های محسوس آلمانی‌ها در



جنگ و شدت گرفتن تبلیغات حزب نازی، دولت انگلیس نیز از بی‌بی‌سی درخواست کرد که برنامه‌های غیرانگلیسی خود را سه برابر افزایش دهد. جنگ رسانه‌ای، عرصه‌ای بود که دولتمردان انگلیسی نمی‌خواستند بازنده آن باشند. در عرض یک سال، تعداد زیادی از زبان‌های اروپایی و زبان‌هایی چون هندی، ژاپنی و فارسی نیز به رادیو بی‌بی‌سی راه یافتند. در روزهای آغازین جنگ جهانی دوم (سپتامبر ۱۹۳۹) رادیو بی‌بی‌سی به ۷ زبان غیرانگلیسی برنامه پخش می‌کرد. در پایان جنگ (۱۹۴۴) این تعداد به ۴۰ رسیده بود.

#### ب) تلاش برای تثبیت جایگاه بی‌بی‌سی در ایران

جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن، جایگاه بی‌بی‌سی را به‌عنوان یکی از رسانه‌های خبری تثبیت کرد. در ایران نیز پس از سقوط رضاشاه و حضور آشکار انگلیس در تحولات ایران، رادیو بی‌بی‌سی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. با این حال نگاه مردم ایران به این رسانه انگلیسی‌نگاه بود دوگانه و سرگردان میان حس اعتماد و بی‌اعتمادی. از یکسو پیشینه عملکرد انگلیسی‌ها در ایران و به‌ویژه در دوران قاجار، مردم ایران را نسبت به «هر چیز انگلیسی» بدبین کرده بود. مداخله مستقیم در امور سیاسی و حضور پررنگ در اقتصاد ایران، انگلیس را در ذهن ایرانیان به پدیده‌ای بدل کرده بود که «همه کارها زیر سر اوست». رادیو فارسی بی‌بی‌سی، با خبر رسانی گسترده از آنچه در ایران رخ می‌داد - و گاه با ارائه تحلیل از آنچه ممکن بود رخ دهد - حس بدبینی عمومی جامعه ایران را تقویت می‌کرد. از سوی دیگر اما، همین تصویر ذهنی از انگلیس، باوری کلی در میان ایرانیان ایجاد می‌کرد که رسانه دولتی این کشور، رادیو



بی‌بی‌سی، بدون شک «می‌داند» این حس اعتماد اگرچه همراه با نگرانی بود، اما به هر روی شنوندگان بسیاری را به بی‌بی‌سی فارسی جذب می‌کرد. گزارش‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی از ماجرای حمله متفقین به ایران و برکناری رضا شاه از سلطنت نمونه مشخص و چه بسا نقطه عطفی بود که هر دو حس اعتماد همراه با نگرانی و بی‌اعتمادی را در میان ایرانیان تقویت کرد. نتیجه این هر دو حس اما، افزایش شنوندگان و گسترش دامنه پوشش بی‌بی‌سی فارسی در ایران بود.

در طول بیش از نیم قرن حضور در فضای رسانه‌ای ایران، رادیو فارسی بی‌بی‌سی همچنان انبوهی از رخدادهای تاریخ معاصر ایران را پوشش داده است. از افول سلطنت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی. در تمام این دوران کم نبوده‌اند کسانی که نقش رادیو فارسی بی‌بی‌سی را بیش از خبررسانی صرف می‌دانسته‌اند. این گروه بر این باور بوده و هستند که بی‌بی‌سی در همین زمان در شکل دادن برخی از این رخدادهای نیز نقش بازی کرده است. انتشار اسنادی مربوط به فعالیت‌های بخش انگلیسی زبان بی‌بی‌سی در جریان کودتای ۲۸ مرداد در سال گذشته میلادی

#### ج) گسترش بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی پس از انقلاب اسلامی

بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی پس از انقلاب اسلامی، تیم خود را گسترش داد و برنامه‌های خود را از ترجمه صرف اخبار و گزارش‌های تهیه شده در شبکه جهانی بی‌بی‌سی به تولیدات جدید به زبان فارسی تغییر داد. بخش فارسی بی‌بی‌سی در سال‌های اخیر، شمار نسبتاً زیادی از روزنامه‌نگاران ایرانی را استخدام کرده و تیم‌های رادیویی و آنلاین خود را گسترش داده است. سایت فارسی بی‌بی‌سی آنلاین نیز با بهره‌گیری از وبسایت‌های پشتیبان و ناظر حوزه فعالیت خود را گسترش داده است.



بودجه پخش برون مرزی بی بی سی را دولت تأمین می کند، اما مسئولان این شبکه به دنبال ارائه چهره مستقل از این شبکه هستند. بر این مبنا مدعی هستند که دولت انگلیس در محتوای برنامه ها یا تعیین مأموریت خاصی برای این شبکه دخالت نمی کند در حالی که این امر واضح و مبرهن است که برنامه های رادیویی و تلویزیونی و چه بسا پایگاه های اینترنتی سرویس جهانی بی بی سی از جمله مهم ترین و بارزترین ابزارهای دیپلماسی عمومی انگلیس برای تشریح سیاست های منطقه ای انگلیس و سپس توجیه این اقدامات برای مخاطبان عام و خاص ایرانی است که این رویکرد در چارچوب کانال های رادیویی و تلویزیونی تجلی می یابد.

### رابطه بی بی سی و سیاست

بی بی سی مدعی است که برنامه های شبکه تلویزیونی فارسی با استقلال از دولت و حفظ بی طرفی کامل پخش خواهد شد و مستقل از دولت انگلیس عمل خواهد کرد. اما آیا واقعاً شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی می تواند به طور کامل مستقل و بی طرف از دولت عمل کند؟ مسئولان و کارکنان سرویس جهانی بی بی سی بر ماهیت مستقل و بی طرفانه آن تأکید دارند و علت این موضوع را در وابستگی بی بی سی به مکتب راستین ژورنالیسم عنوان می کنند. به گفته آنها سرویس جهانی بی بی سی پس از جنگ جهانی دوم از حالت ستاد تبلیغاتی جنگ فاصله گرفت و با تدوین منشور نوین تلاش کرد در نقش رسانه ای مستقل و بی طرف ظاهر شود. برای این منظور به عملکرد رسانه ای بی بی سی در پوشش تحولات انقلاب اسلامی ایران اشاره می کنند. این در حالی است که بررسی موردی نوع پوشش خبری بی بی سی در تحولات خبری



مختلف از جمله موضوع هسته ای ایران، بیانگر غلبه پس زمینه های سیاسی بر رویکردهای حرفه ای رسانه ای است.

بی بی سی با بهره گیری هدفمند از اصول و تکنیک های نوین خبرنگاری و تحلیل رسانه ای تلاش می کند فهم وابستگی سیاسی به دولت انگلیس را برای مخاطب دشوار نماید. در واقع ادبیات نرم خبر بی بی سی در کنار مؤلفه های تنوع و عمق بخشی خبری، این ذهنیت را به مخاطب القا می کند که این رسانه فارغ از جهت گیری های سیاسی صرفاً در خدمت اطلاع رسانی قرار گرفته است. بدین سان شاید بتوان گفت که تصمیم به راه اندازی تلویزیون فارسی زبان بی بی سی در کنار رادیوی آن خطرناک تر از فعالیت کنونی تلویزیون صدای آمریکا (VOA) باشد، زیرا اولاً سبک تبلیغی بی بی سی بسیار نرم تر از تلویزیون آمریکاست و می کوشد به جای القای مستقیم که منجر به مقاومت مخاطب می شود از روش القای غیرمستقیم و در پوشش برنامه های تحلیلی سود بجوید و ثانیاً بی بی سی به جای پرداختن صرف به موضوعات سیاسی و بین المللی در بسیاری از مواقع بر موضوعات و سوژه های عمیق اجتماعی متمرکز می شود و از این رهگذر می کوشد تا مخاطبان و حتی حامیانی از دل طبقات و شئون مختلف اجتماعی برای خود دست و پا کند.

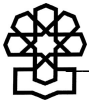
نکته قابل توجه آنکه در مواردی شاهد نوعی چالش میان دولت انگلیس و سرویس جهانی بی بی سی درباره پوشش تحولات خبری مختلف هستیم که به نظر می رسد با هدف بالابردن ضریب اعتبار و بی طرفی بی بی سی صورت می گیرد و تأمل در کنه و ماهیت این چالش ها و نحوه مدیریت آنها از هدفمندی و همسویی آن با



دیپلماسی رسانه‌ای انگلیس حکایت دارد. دیپلماسی رسانه‌ای معمولاً به دو صورت تحقق می‌یابد: در شیوه اول، دولت‌ها به تأسیس رسانه‌های ویژه دیپلماسی اقدام می‌کنند و اینکه رسانه‌های موجود را به اقداماتی در راستای سیاست‌های خارجی خود موظف می‌کنند. شیوه دوم همگامی و همراهی رسانه‌ها با اهداف و سیاست‌های خارجی کشورها است. به نظر می‌رسد که رویکرد بی‌بی‌سی از شیوه دوم بهره می‌گیرد. در این شیوه هرچند که به ظاهر این رسانه دستور خاصی از دولت انگلیس دریافت نمی‌کند، ولی به علت بلوغ حرفه‌ای و همچنین مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای در جهت سیاست‌های کلان نظام دولت انگلیس در سطح جهان عمل می‌کند و در عین حال با ارائه چهره به‌ظاهر مستقل از دولت به دنبال تأثیرگذاری بیشتر است.

#### اهداف و پس‌زمینه‌های راه‌اندازی تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی

در بررسی اهداف و پس‌زمینه‌های راه‌اندازی سرویس جهانی بی‌بی‌سی می‌توان به برخی مؤلفه‌های تأثیرگذار در سطوح رسانه‌ای و همچنین حوزه‌های سیاسی و اجتماعی اشاره کرد. روند حرکتی بی‌بی‌سی در عرصه رسانه‌ای به‌گونه‌ای بوده که همواره توانسته است پیامی جذاب، شنیدنی و یا خواندنی برای مخاطب داشته باشد. در این خصوص ارائه اخبار نیز با توجه به قید سرعت، جانبدارانه، اما با رعایت استانداردهای ژورنالیستی و رویکردهای حرفه‌ای و رسانه‌ای نگارش می‌یابد تا این‌گونه به نظر برسد که همه دیدگاه‌ها طرح و بحث می‌شود. این معنا اگرچه درست نیست، اما تصویری است که از سوی گردانندگان بی‌بی‌سی با قدرت القا می‌شود. توجه به تحقیق و برنامه‌سازی براساس اسناد و مدارک سبک تاریخی، رویکردی است که بی‌بی‌سی به تجربه و یا به



هوشمندی توانسته است از آن به نحو مطلوبی استفاده ببرد.

#### الف) بحران مخاطب رادیو و گرایش بی‌بی‌سی به تلویزیون

سرویس جهانی بی‌بی‌سی نیز همچون بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی جهان، همواره به تغییر و تحول در شیوه‌های ارائه خبر می‌پردازد و در این روند از تئوری‌های ارتباطات و خبر و همچنین فناوری‌های نوین رسانه‌ای، به گونه‌ای هدفمند بهره می‌گیرد. به نظر می‌رسد مسئولان بی‌بی‌سی با وقوف به درهم شکسته شدن اقتدار و انحصار رسانه‌ها و ورود رسانه‌های تعاملی نوین می‌کوشند راه را برای حفظ مخاطب از طریق رویکرد تعاملی و چندجانبه‌نگری فراهم آورند. در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، سرویس جهانی بی‌بی‌سی صاحب‌مدیری به نام جان توسا شد که از روزنامه‌نگاران مجرب سرویس جهانی بود و در یکی از اولین اقدامات خود، بخش آموزش فنون روزنامه‌نگاری رادیویی را گسترش داد و استفاده از دانش و تجربه روزنامه‌نگاران غیربومی را ترغیب کرد. ایجاد تلویزیون جهانی بی‌بی‌سی و یکی کردن نام سرویس جهانی از دیگر تصمیمات او بود. بر مبنای این تغییر رویکرد، روزنامه‌نگاران ایرانی درباره نوشتن و روزنامه‌نگاران عرب و آفریقایی و آمریکای لاتین درباره تحولات در منطقه خود گفتند. دامنه این تغییر و تحول به سطح سردبیری خبر و مدیریت اداری بی‌بی‌سی نیز رسید. در دهه پایانی قرن بیستم، دگرگونی‌های سریع سیاسی و اقتصادی در سطح جهان، در کنار پیشرفت‌های خیره‌کننده تکنولوژی ارتباطات و مخابرات، آخرین بقایای نگاه سنتی به رسانه‌های بین‌المللی را به کنار زده و جای تردید باقی نگذاشته است که برای شنیدنی و تماشایی



ماندن و مطرح بودن باید الگوی تازه‌ای طرح کرد. گسترش انفجارگونه اینترنت و تلفن همراه به انحصار نهادهای خبری رسمی و غیررسمی پایان داده و از هر شهروند یک گزارشگر و تصویربردار ساخته است. امروز همین شهروندان عادی هستند که از درون جوامع خود، خبر و تصویر مخابره می‌کنند و معنی و ماهیت ارتباطات جهانی را زیرورو کرده‌اند. در حال حاضر در اولین دهه قرن بیست‌ویکم، بی‌بی‌سی فارسی، رسانه‌ای متشکل از رادیو، تلویزیون، اینترنت، تلفن همراه و پادکست<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup> بر این اساس بی‌بی‌سی در دنیای پر رقیب امروزی برای حفظ جایگاه خود ناگزیر به تغییر و پذیرش روش‌های نوین است. گرایش بی‌بی‌سی به تأسیس تلویزیون فارسی نیز بر این مبنا صورت گرفته است و به نظر می‌رسد که بخش رادیویی تحت‌الشعاع تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی قرار خواهد گرفت.<sup>۳</sup> در عین حال مسئولان بی‌بی‌سی به تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی به‌عنوان مکمل رادیوی فارسی بی‌بی‌سی می‌نگرند و تأکید می‌کنند که اگر قرار است رادیو بی‌بی‌سی تأثیر زیاد داشته باشد لازم است که تلویزیون نیز در کنار آن قرار داشته باشد.<sup>۴</sup>

### ب) ادعای پاسخ‌گویی به تقاضای مخاطب

مسئولان بی‌بی‌سی در توجیه علل گرایش به تأسیس تلویزیون فارسی زبان از

۱. «برنامه‌ای رادیویی یا مشابه که دیجیتالی ضبط شده و جهت دانلود کردن برای دستگاه‌های شخصی پخش صدا در اینترنت گذاشته می‌شود».

۲. شهریار، رادپور، تحولات روزنامه‌نگاری در سرویس جهانی بی‌بی‌سی، سایت فارسی بی‌بی‌سی، ۱۳۸۷/۹/۲۹.

۳. شهریار، رادپور، سالگردی در گرم‌گرم چالش‌های عصر جدید، سایت فارسی بی‌بی‌سی، ۱۳۸۷/۹/۲۲.

۴. نایچل، چپمن، مدیر سرویس جهانی بی‌بی‌سی در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی، مهرماه ۱۳۸۰.



تقاضای زیاد برای راه‌اندازی تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی سخن می‌گویند و این نکته‌ای است که بارها از سوی نایچل چپمن، مدیر سرویس جهانی بی‌بی‌سی، مورد تأکید قرار گرفته است. چپمن در پاسخ به این پرسش که چرا به فکر تلویزیون فارسی برای ایران افتادید، گفت: در درجه اول به این علت که تقاضا برای این تلویزیون وجود دارد، ما بررسی‌های گسترده‌ای در این باره در ایران انجام داده‌ایم و می‌دانیم که شمار قابل توجهی از مردم ایران دارای دیش یا آنتن ماهواره‌اند و به اخبار و مسائل سیاسی روز علاقمندند و می‌خواهند سرویس جهانی بی‌بی‌سی چنین امکاناتی عرضه کند. وی افزود: بی‌بی‌سی سابقه طولانی در پخش برنامه به زبان فارسی دارد و شمار شنوندگان این برنامه قابل توجه است و تقاضا برای رسانه‌ای جدید وجود دارد، ولی واقعیت این است که اگر قرار باشد این رسانه تأثیر زیاد داشته باشد لازم است تلویزیون نیز در کنار آن قرار داشته باشد، به همین جهت است که امروز تصمیم گرفتیم قصد به راه‌انداختن تلویزیون فارسی را اعلام کنیم.

### ج) ادعای پرکردن خلأ تنوع رسانه‌ای در ایران

برخی تحلیلگران رسانه‌ای غرب مدعی هستند که ایجاد و تأسیس شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان با هدف پرکردن خلأ تنوع رسانه‌ای در ایران صورت می‌گیرد. به ادعای آنها، شیوه‌های برنامه‌سازی و تبلیغات در صداوسیما جمهوری اسلامی با ناکارآمدی و تأخیر زمانی مواجه شده است و به‌علت فاصله گرفتن از شیوه‌های روزآمد، کارایی و اثرمندی رسانه‌های جمهوری اسلامی در میان مردم رو به کاهش است. بر مبنای این ادعا، سیاست گسترش رسانه‌های آلترناتیو در



دو سطح داخلی و خارجی پیگیری می‌شود در سطح داخلی موسیقی زیرزمینی و غیررسمی ترویج می‌شود و در سطح بین‌المللی نیز رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی با ایجاد برخی زمینه‌های نرم‌افزاری برای خبرگیری و خبرسازی از داخل ایران و خلق رویکرد *شهروند خبرنگار* می‌کوشد زمینه‌های حضور تاثیرگذار در سطوح مختلف اجتماعی ایران را فراهم آورد و در عین حال بتواند زمینه ارائه تصویری متفاوت از ایران از دریچه دوربین و تصویر و همچنین صداها را فراهم آورد.<sup>۱</sup>

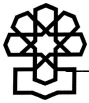
از سوی دیگر غرب به دنبال شکست انحصار رسانه‌ای در ایران بوده که از این طریق بتواند سیاست‌های خود را در بعد رسانه‌ای تعقیب نموده و در صحنه عمل به اهداف خویش برسد.

۱. برخی نمونه‌های تبلیغی فضاسازی رادیوهای بیگانه درباره عملکرد رسانه ملی به شرح زیر است:

محمدرضا بالیده، روزنامه‌نگار در گفت‌وگو با رادیو آمریکا ( ۱۶/۸/۱۳۸۰): طبیعتاً تا زمانی که صداوسیما نتواند برنامه‌های مطلوبی عرضه کند از طریق ۶ کانال سراسری خودش و تا زمانی که مردم مجذوب برنامه‌های داخلی نشوند این تقاضا برای استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای و تماشا کردن تلویزیون‌های خارجی کم و بیش وجود خواهد داشت.

- برخی جامعه‌شناسان می‌گویند از آنجاکه ایران رادیو و تلویزیون خصوصی ندارد و صدا و سیما رسماً زیر نظر مقام رهبری کشور کار می‌کند نمی‌تواند مطالبات بسیاری از مردم و به‌ویژه نسل جوان را برآورده کند (رادیو فردا ۱۳۸۱/۱۰/۹).

- ایجاد تنوع و تکرار در سخت‌افزار و نرم‌افزار رسانه‌ای موجب شده که مردم از منابع متفاوت و گوناگونی برای به‌دست آوردن اطلاعات و آگاهی استفاده بکنند گیرنده‌های ماهواره‌ای و ارتباطات اینترنتی وبلاگ‌ها برخی از روزنامه‌ها رادیوها و به‌ویژه شایعات و نقل قول‌های به اصطلاح در گوشه‌های رسانه رسمی را می‌گیرند و معمولاً هم این ابزارهای غیررسمی، اما مورد وثوق مردم هستند که می‌توانند خلأ اطلاع‌رسانی موجود را پر بکنند و متأسفانه گاه مشاهده می‌کنیم که در بطن جامعه شایعات و در گوشه‌ها اگرچه نادرست باشند رواج بیشتری دارند به نسبت اطلاعاتی که صدا و سیما انتشار می‌دهد ( رادیو فرانسه، ۱۳۸۳/۹/۱۲).



#### د) دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای از ابزارهای دیپلماسی غیرعلنی (عمومی) است و به‌علت نقش دوگانه از اهمیت بیشتری در عملیات روانی برخوردار است. به‌عبارت دیگر دیپلماسی رسانه‌ای دارای دو عنصر ذاتی است: دیپلماسی رسانه‌ای جزء فشارهای عملی سیاسی محسوب می‌شود و اصلی‌ترین ابزار تبلیغی روانی در عملیات روانی است. یکی از ابزارهای دیپلماسی رسانه‌ای، استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای است. با توجه به اینکه امروزه شهروندان عادت به استفاده بیش از حد از تلویزیون دارند و کمتر از برنامه‌های رادیویی بهره می‌گیرند، در دیپلماسی رسانه‌ای با آگاهی از این ویژگی، با تأسیس شبکه‌های مخصوص و یا تقویت مالی و برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای مخالف کشور هدف، سعی در تأثیرگذاری بر مخاطبان هدف دارند. تلویزیون‌های خبری با برجسته‌سازی و در دستور کار قرار دادن بعضی از موضوعات در جهان، می‌توانند افکار عمومی را معطوف یک مسئله ساخته و به این ترتیب با برجسته‌سازی بیش از حد موضوع، جوی نامطلوب علیه کشور آماج ایجاد کنند. تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان نیز با انتشار اخبار هدفمند و تحریف شده از ایران می‌توانند زمینه چالش‌زایی نرم برای نظام اسلامی را فراهم آورند به گونه‌ای که انرژی فراوانی را برای رفع این گونه شبهات در سطح ملی هزینه شود. در گزارش سالانه ۲۰۰۵-۲۰۰۶ با عنوان دیپلماسی عمومی پارلمان انگلیس به نقل از «نایجل چپمن» مدیر کل سرویس جهانی بی‌بی‌سی نقل شده است: «اگر به‌عنوان یک فعال رسانه‌ای به دسترسی مردم در جوامع، به رسانه‌های آزاد و مستقل باور داشته باشیم، آنگاه در عالم واقعیت نگاهی بیندازیم به ایران کنونی، دلیل بسیار محکمی

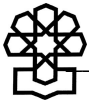


بر این امر می‌یابید که بریتانیا برای بهبود این امر چه کاری می‌تواند انجام دهد». به نظر می‌رسد تأسیس تلویزیون فارسی زبان شبکه بی‌بی‌سی با رویکرد مسئولان وزارت خارجه انگلیس، تحت عنوان «دیپلماسی عمومی در ایران و خاورمیانه» همخوانی دارد.<sup>۱</sup>

### ه) گفت‌وگوی مستقیم با مردم ایران

رسانه‌های غربی به رویکرد تعامل‌گرا با مردم ایران روی آورده‌اند و به دنبال ارتباط فراحکومتی با مردم ایران هستند که این رویکرد یکی از وجوه دیپلماسی عمومی است. این رویکرد از سوی محافل سیاسی و رسانه‌ای آمریکا آغاز شده است و در حال حاضر به صورت وجه غالب سیاست اتحادیه اروپا و برخی کشورهای اروپایی از جمله انگلیس در قبال ایران درآمده است و در واقع از این منظر تلاش می‌شود زمینه‌های ذهنی جداسازی مردم - حاکمیت فراهم آید. در این میان هم‌زمانی تصمیم به راه‌اندازی بی‌بی‌سی فارسی با راه‌انداختن تلویزیون بی‌بی‌سی به زبان عربی قابل تأمل است. چپمن در پاسخ به چرایی تصمیم به راه‌اندازی دوکانال برای مسلمانان طفره می‌رود و تلاش می‌کند علت این موضوع را در علل علاقمندی جهان اسلام به داشتن چنین کانالی و همچنین دسترسی زیاد مردم ایران به تلویزیون‌های ماهواره‌ای خلاصه می‌کند. برخی از بخش‌های سرویس جهانی بی‌بی‌سی به علت فقدان توجیه

۱. جعفر، طبرسی، تلویزیون‌های فارسی بی‌بی‌سی چه برنامه‌های برای ایرانیان دارد؟، پایگاه تحلیلی فرارو، ۱۳۸۷/۳/۸.



اقتصادی<sup>۱</sup> یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. ولی ایران پروژه‌های خاص است که برای هدف قرار دادن تبلیغی و فرهنگی آن باید هزینه‌ای خاص کرد. دلیل این امر روشن است. ایران برای حداقل ۲۰ سال آینده و همچنان مهم‌ترین مسئله در سیاست خارجی کشورهای غربی خواهد بود. البته احتمال کاهش حجم برنامه‌های تخریبی در صورت تغییر فضای سیاسی و تعدیل آن و آغاز فرایند بازسازی مناسبات چندجانبه در خاورمیانه رو به افزایش است در این صورت رسانه‌های وابسته دولتی ناگزیر از تغییر مشی خود خواهند بود.

### و) باقی ماندن در فرایند رقابت رسانه‌ای

تلاش بی‌بی‌سی برای باقی ماندن در رقابت رسانه‌ای از جمله مؤلفه‌های دیگری است که شاید بتوان آن را به عنوان یکی از علل گرایش بی‌بی‌سی به تأسیس تلویزیون فارسی نام برد. صدای آمریکا (VOA) پیش از سرویس جهانی بی‌بی‌سی به پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان فارسی روی آورده است و آن گونه که گردانندگان آن مدعی هستند با رعایت استانداردهای ژورنالیستی و حرفه‌ای توانسته است مخاطبان قابل توجهی در ایران به خود اختصاص دهد.<sup>۲</sup> بر این مبنای سرویس جهانی بی‌بی‌سی برای عقب نماندن از گردونه رقابت رسانه‌ای تصمیم به ورود به عرصه پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان فارسی گرفته است و تلاش می‌کند برخلاف VOA که با لحن تند به دنبال جذب اقشار رادیکال علیه نظام اسلامی است با لحن به ظاهر

۱. سایت اینترنتی آفتاب، ۱۳۸۷/۳/۱۶.

۲. رادیو آمریکا، ۱۳۸۷/۴/۱۵.



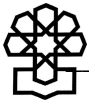
منطقی و بی‌طرفانه به جلب گروه‌های مرجع میان‌سال و طبقه متوسط بپردازد.

### نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

اگر رویکرد پروژه‌ای (امنیتی) را به فرایند دمکراسی‌سازی غرب در جمهوری اسلامی ایران بپذیریم آنگاه خودبه‌خود می‌توانیم میان تلاش بیگانگان به‌منظور «توانمندسازی» گروه‌های مخالف و کمک به جنبش‌ها و تحرکات به اصطلاح آزادی‌خواهانه که تحت عنوان کمک به دمکراسی از آنها یاد می‌شود از یک‌سو و اهداف پنهانی سرویس‌های امنیتی کشورهای رقیب مبنی بر شبیه‌سازی فروپاشی شوروی و براندازی نرم و برخی جمهوری‌های بازمانده از شوروی از سوی دیگر پیوند برقرار کنیم. نگاه امنیتی به دمکراسی و دمکراسی‌سازی در برخی کشورهای اسلامی و جهان سوم به‌ویژه با در نظر گرفتن طرح آمریکا برای «گرجستانیزه کردن» جمهوری اسلامی ایران با واقعیت‌ها نیز تطبیق می‌کند.

شواهد و قرائن (اعم از اسناد، اظهارنظرها و تجربه تاریخی) نشان می‌دهد که سناریوی براندازی نرم که سوار شدن بر دوش رسانه‌ها به سرانجام می‌رسد یک خیال‌پردازی برخاسته از توهم توطئه نیست، بلکه واقعیتی است که در طول دو دهه گذشته اتفاق افتاده و لزوم مدیریت جریان آزاد اطلاعات، اخبار و تصویرسازی‌ها (Image Making) از جمهوری اسلامی ایران را در رسانه‌های غربی بیش از پیش گوشزد می‌کند.

در این راستا شبکه بی‌بی‌سی فارسی در صدد است با تکنیک‌های نوین رسانه‌ای



از روش القای غیرمستقیم و در پوشش برنامه‌های تحلیلی با مشی اجتماعی و نه سیاسی سود جسته تا از این رهگذر مخاطبان و حامیانی از دل طبقات مختلف اجتماعی برای خود پیدا کند تا درنهایت اهداف بلندمدت و کلان خود در قبال جامعه ایرانی را به پیش برد.

رسانه مقوله‌ای است با کارکردی که می‌تواند به‌عنوان ابزاری در خدمت پروژه‌های نرم ضدامنیتی مانند براندازی نرم در کشورهای اسلامی و جهان سوم قرار گیرد. بر این مبنا برخورد با این مقوله نیز می‌باید از جنس نرم باشد. تجربه نشان داده است که برخوردهای سخت با یک رسانه اپوزیسیون و مظاهر این برخوردها (مانند حذف رسانه مزبور یا مخالفت با استقرار و فعالیت آن در کشورهای هدف) نه‌تنها نمی‌تواند به امنیت‌سازی کمکی کند، بلکه از جامعه امنیت‌زدایی نیز می‌کند.

با این وصف واکنش قاطعانه برخی مسئولان ذی‌ربط کشور به مقوله راه‌اندازی تلویزیون فارسی زبان بی‌بی‌سی در ایران هرچند حاکی از حساسیت درست آنها به شبیه‌سازی پروژه گرجستانیزه شدن در جمهوری اسلامی ایران است، لکن این حساسیت خود عاملی برای اقبال عمومی مردم به‌ویژه نسل سوم انقلاب (جوانان) به چنین رسانه‌هایی است که نوعاً در صدد ارتباط‌گیری با جوانان هستند. به‌عبارت دیگر رسانه‌ای شدن این حساسیت‌ها و واکنش‌های منفی خود زمینه‌تهدیج و ترغیب جوانان به سمت رسانه‌هایی می‌شود که حاکمیت به دور آنها خط قرمز می‌کشد.

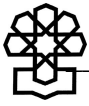
در چنین فضایی به‌نظر می‌رسد چند راهکار به‌منظور مقابله مؤثر با تأثیر راه‌اندازی تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان به‌ویژه تلویزیون بی‌بی‌سی قابل تصور باشد:



۱. روند «شبکه‌سازی» به‌عنوان مهم‌ترین ابزار رسانه‌های غربی در راه‌اندازی براندازی نرم نیازمند طراحی و مدیریت دقیق و هدفمند رسانه‌های دیجیتالی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای خودی و پرمایه به‌منظور ترتیب دادن یک رقابت و مناظره جدی و اساسی با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی رسانه‌های خودی (مجاورت جغرافیایی، مجاورت معنوی، پشتوانه فنی مناسب و ...) در مقایسه با رسانه‌های رقیب غیرخودی است. این مهم به‌ویژه با توجه به درون‌مایه اندیشه‌ای و تبلیغ غیرمستقیم تلویزیون بی‌بی‌سی برخلاف تلویزیون صدای آمریکا (VOA) ضروری‌تر به‌نظر می‌رسد.

۲. جلوگیری از راه‌اندازی تلویزیون‌های ماهواره‌ای با توجه به طراحی پایگاه‌های اینترنتی متنوع و متعدد نمی‌تواند عامل بازدارنده مؤثری در راه ارتباط‌گیری با مخاطبان داخلی به‌ویژه جوانان ایران با گرایش بالا به‌سوی اینترنت باشد. در دنیای اینترنت داستان به کلی با دنیای تلویزیون‌های ماهواره‌ای متفاوت است و احتمال دسترسی به سایت تلویزیون‌های ماهواره با توجه به طراحی و ساخت روزانه صدها فیلترشکن بسیار سهل‌تر است. بنابراین بهتر است ضمن راه‌اندازی تلویزیون‌های رقیب با درون‌مایه تحلیلی قوی از ظرفیت سایت‌ها و پایگاه‌های مختلف اینترنتی نیز در این زمینه استفاده شود.

۳. پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم و مرزی در ابعاد مختلف و بالا بردن شاخص امید در آنها (که البته با بیان نکردن واقعیات و مشکلات کاملاً متفاوت است) می‌تواند ظرفیت رسانه‌های غربی را به‌منظور تبلیغ و ترویج و اگرایی از میان ببرد و زمینه‌های اعتراض اجتماعی مانند فقر، ناامنی، تورم، بیکاری، ترافیک و ... را کم‌رنگ کند.



۴. پرهیز از تهدیدانگاری بیش از حد در فعالیت نهادهای غیردولتی (NGOs) و تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و اعطای اجازه فعالیت به آنها در چارچوب قانون اساسی همراه با حفظ هوشیاری لازم جهت اجتناب از تهدیدات احتمالی این رسانه‌ها و نهادها در حوزه امنیت سیاسی و اجتماعی.

۵. تقویت زیرساخت‌های فرهنگی - آموزشی به‌منظور تقویت حس میهن‌دوستی و بسته‌های آموزشی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و ... به‌منظور خنثی کردن تأثیرات مخرب رسانه‌ای.

۶. همسان کردن ظرفیت سازمان‌های امنیتی کشور با ماهیت تهدیدات نرم و رسانه‌ای.

۷. افزایش کارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور به‌منظور از میان بردن زمینه نارضایتی‌های خفته و نهفته که به‌واسطه تبلیغات رسانه‌ای غرب بیدار می‌شوند.

در پایان باید اشاره کرد در شرایط کنونی جنگ بزرگی در حوزه رسانه‌ای میان ایران و غرب در جریان است، باید در نظر داشت که استفاده از امکانات و تکنولوژی‌های مدرن رسانه‌ای نسبت به دو دهه قبل به‌طور اساسی دگرگون شده است. این شرایط فرصت‌های بزرگی را برای تأثیرگذاری از طریق تعریف هدف‌های استراتژیک در نقاط مختلف جهان فراهم ساخته است که به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم مهار و کنترل فشارهای خارجی مورد استفاده قرار گیرد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۶۰۰

عنوان گزارش: براندازی نرم و تأسیس تلویزیون‌های فارسی زبان «مطالعه موردی بی‌بی‌سی»

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: رضا سلیمانی

ناظر علمی: حمید صفری، ابوزر گوهری مقدم

متقاضی: لطفاله فروزنده (قائم مقام مرکز پژوهش‌ها)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. براندازی نرم (Soft Subversion)

۲. بی‌بی‌سی فارسی (BBC Persian)

۳. رسانه (Media)

۴. ایران (Iran)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱/۲۳